

ورشکستگی جمهوری اسلامی

و موقعیت سپره گذاران در حقوق اسلامی

امیرفیض- حقوقدان

بطوریکه استحضار دارید ایرانیانی با هدف دریافت بهره های بالا در بانکهای جمهوری اسلامی سرمایه گذاری بصورت پس انداز کرده اند و اکنون بانکها و یا صندوق های مالی مزبور قادر به پرداخت بهره و حتی اصل سرمایه مردم نیستند؛ این تحریر مایل است حالت مزبور را در حقوق عمومی و حقوق شرعی تشیع مورد تفحص قرار دهد.

از نظر حقوق مدرن

بحث مزبور از لحاظ حقوق مدون و مدرن با مشکل مواجه نیست زیرا صراحت قانون، تعیین تکلیف کرده است و میگوید؛ اگر بدهکار بهر علت نتواند طلب بستانکار را بدهد باید ظرف سه روز ورشکستگی خود را به دادگاه محل اقامت اعلام نماید و در غیر اینصورت ورشکسته بتقصیر خواهد بود؛ و این حق همه افراد و در وهله اول طلبکار است که خواهان صدور حکم ورشکستگی بانکها و یا صندوق های مالی شوند.

ورشکستگی جمهوری اسلامی

این تحریر، پذیرای این توضیح است که مسئله ورشکستگی جمهوری اسلامی صحبتی نیست که بمناسبت تجمع صاحبان پس انداز در مقابل بانکها و انعکاس آن در خبرگزاریها منتشر شده است؛ در ۱۹ خرداد سال ۱۳۹۵ مرکز پژوهشهای مجلس اسلامی گزارشی را منتشر ساخت که در آن وضعیت مالی کشور را بشدت بحرانی و دربارہ ورشکستگی برخی از بانکها ابراز نگرانی شده بود؛ در آن گزارش ۷۳۳۳ موسسه مالی بدون اجازه دولت و یا ضمانت بانک مرکزی در امر جلب سرمایه های مردم با پرداخت بهره های سنگین و با لایر از نرخ بانک ملی عنوان شده بود که عموم آنها وابسته به بنیاد و نهادهای غیردولتی هستند که پاسخگوی دولت و یا بانک مرکزی نمیباشند.

گزارش مرکز پژوهشهای مجلس اسلامی هیچ امرفوق العاده ای نبود، زیرا یکسال قبل صندوق بین المللی پول این هشدار را داده بود که وضع مالی بانکهای جمهوری اسلامی وخیم است و همان گزارش یکی از علل خودداری شرکت ها و کشورهای اروپایی را برای سرمایه گذاری در جمهوری اسلامی وضع نامناسب و خطرناک بانکهای جمهوری اسلامی دانسته بود.

اقدامات و مذاکرات بانک مرکزی با بدهکاران بانک نشان میدهد که بانک مرکزی از تاریخ چهارم اردیبهشت سال ۱۳۹۳ احساس کرده که بدهکاران بانک مرکزی که غالباً بانک هاستند قادر به پرداخت بدهی های خود نیستند و لاجرم آن بانکها نمیتوانند بهره سپرده های مردم و حتی اصل آنرا بپردازند.

حاشیه = سیستم بانکی طوری است که بدون وثیقه وام، به خواهان وام نمیدهد و همچنین معمول است که وثیقه بمراتب بیش از میزان وام است. بدین ترتیب مسئله ورشکستگی بانکها ویاصندوق ها منتفی است.

روسای بانکها به اعتباراتی از جمله شخصیت وام گیرنده و ارتباط مقامی و مسائلی از این دست که در جمهوری اسلامی بسیار متداول است به کسانی وام بدون وثیقه داده است، و این اشخاص همان کسانی هستند که بیشتر به «بیت رهبری» و به جمهوری اسلامی وصل و جزء همان ۷۳۳۳ شرکتی است که دولت نظارتی بر آنها ندارد.

بی تفاوتی دولت

اسناد موجود نشان میدهد که کارشناسان اقتصادی خارجی و ایرانی راهکارهایی برای کنترل وضع مزبور ارائه داده اند که سرفصل آنها پائین آوردن نرخ بهره بوده است که حتی نرخ بالای آن در بانکها به ۲۷ درصد هم رسیده بود؛ ولی دولت به هیچیک از این پیشنهادات اعتنایی نکرد **میدانید چرا؟**

زیرا جمهوری اسلامی نیاز به پولی داشت و دارد که در بودجه پیش بینی نشده باشد تا بتواند آنرا **در ممرهای سوریه و عراق و حزب الله و یمن و مبارزات علیه ایرانیان خارج از کشور صرف نماید.** و از حسابرسی و دیوان محاسبات و امثال آنها مصون باشد. لذا ماموریت این کار بر عهده موسسات مالی گذارده شد که بنابر گزارش مرکز پژوهشهای مجلس اسلامی از حسابرسی دولتی و نظارت دولت معاف بوده اند؛ و تعداد آنها به ۷۳۳۳ عدد میرسید. آن موسسات با تحریص مردم به بهره های زیاد پول های مردم را ضبط و در اختیار فعالان جنگ سوریه و یمن و عراق (سپاه و گروه ولایت) قرار دادند و اینکه بانک مرکزی و دولت قادر نیستند که جریان حیف و میل سپرده های مردم را رسیدگی و افشا نمایند برای همین است که دولت شیخ حسن قادر به چنین اقدامی نیست و موضوع هم مورد حمایت سید علی است.^۱

در یکی از گزارشات اقتصادی به دولت اشاره ای وجود دارد تحت عنوان: **علت این بحران، توجه به پرون مرز است** < یعنی همان مطلبی که این تحریر آنرا عنوان کرده است.

حاشیه

شنیدم که شهرام همایون در برنامه ای مردم را هدایت کرده که پولشان را از بانک های غیرمعتبری که در مغان ورشکستگی هستند گرفته و به بانک ملی انتقال دهند و در همان برنامه هم گفته که اگر ۵ تن اقدام به دریافت پولهایشان بکنند بانک ناچاراً ورشکسته میشود.

این توضیح بجاست که اولاً، همانطور که بانکها اصل پول مردم را پس نمیدهند زیرا قادر نیستند! انتقال آنرا هم نمیتوانند انجام دهند.

۱- اگر به این قضیه با ژرفای بیشتری نگاه بشود، مشتری های طمعکار بانک ها که برای سود بیشتر پول به این بانک های فرعی سپرده اند در پرداخت هزینه جنگ و کمک به حزب الله و یمن و سوریه شریک میباشند. ح-ک

دوم اینکه از تاریخی که بانک احساس توقف کرده هرگونه نقل و انتقالی در پول مردم به ضرر غرما (شرکت کنندگان در اموال ورشکسته) بوده و باطل است؛ یعنی اگر هم بانک ورشکسته بتواند پول مشتری را به بانک دیگری منتقل کند معامله اش باطل است و صاحب سپرده، باید در غرما شرکت کند (پایان حاشیه)

دعوت به داوری

باتفاق بیک داوری سطحی میرویم - **بِعقیده خواننده محترم به چه طریقی جمهوری اسلامی میتواند** **میلیاردها تومان پول مردم را بگیرد بدون سروصدا ویا فروش اوراق قرضه ویا اتحاد روشی که با موفقیت همراه نشود و باعث آبرو ریزی جمهوری اسلامی بشود یا طریقی که دین مسجل دولت باشد به غیر از راه مزبور که مردم با اشتیاق و رضایت وصف تمام روز پولهای پس انداز شده خود را به بانک ها و صندوق های دادند که اساسا برای همین منظور شکل گرفته بود و در واقع صحنه ای بوجود آمد که یکطرف مردم نفهم وطمعکار ویک طرف گرکان حيله گربراحتی به مقصود رسیدند.**

چرا موفقیت؟

اهمیت راهی که جمهوری اسلامی برای جمع آوری و غارت پول مردم انتخاب کرده وقتی روشن میشود که قدری با حقوق اسلامی در مورد عمل مزبور آشنا شویم.

حقوق اسلامی و واقعه مزبور

عمل مزبور یعنی سرمایه گذاری بقصد دریافت بهره آنها با نرخ ظالمانه از مصادق رباست که در قرآن بنام جنگ با خدا (محاربه با الله) نامیده شده است.

قانون مجازات عمومی فرقه تبهکار در ماده ۵۹۵ مرتکبین به عمل ربا اعم از ربا دهنده و ربا گیرنده و واسطه بین آنها را علاوه بر رد اضافه مال به صاحب آن به ۶ ماه تا سه سال حبس و ۷۴ ضربه شلاق و نیز معادل مورد ربا بعنوان جزای نقدی محکوم است.

یعنی اگر این مردم بیچاره مسلمان اصرار کنند که پولشان را پس بگیرند آن پول بدست خودشان نمیرسد و باید بعنوان جزای نقدی به جمهوری اسلامی بدهند و کارشان با این بخشش هم تمام شدنی نیست بلکه باید ۷۴ ضربه شلاق و حداقل ۶ ماه حداکثر ۳ سال هم زندان بکشند. تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل.

آیا کسی حاضر است تن به شلاق و زندان بدهد و علیرغم آن مجازات ها اصل و فرع پولش را هم به دولت بابت جریمه قانونی بدهد یا از خیر اصل پولش هم خواهد گذشت و یا حداقل با بانک، حاضر به مصالحه و معامله میشود؛ موردی که اکنون بانکها به صاحبان پولها پیشنهاد میکنند؟

سکوت محافل

دیدید که معاملات ربوی جرم است. بنابراین تکلیف دادستان اسلامی، خامنه‌ای، مراجع تقلید این بوده که از همان ابتدای فعالیت بانکها و تبلیغات برای جلب پس اندازهای مردم و رقابت در نرخ بهره به وظیفه قانونی و شرعی خود عمل میکردند، یعنی عاملین این جرم اسلامی که در قرآن بعنوان جنگ با خدا نامیده شده را تعقیب و قال قضیه را میکنند. **میدانید چرا نه خامنه‌ای و نه دادستان و نه مراجع تقلید اعتنائی به این فاجعه اسلامی نکردند زیرا برنامه حکومتی بود.**

دستاورد جانبی

جمهوری اسلامی با انجام طرح مزبور به دو دستاورد رسید، یکی تامین منابعی که در قانون بودجه کشور پیش بینی نشده بود، مانند سوریه و یمن و عراق و فعالیت های اطلاعاتی نسبت به ایرانیان و کمک به طالبان و باج به داعش و بازهم پرکردن جیب نزدیکان خامنه‌ای و اعیان انصارشان.

اما دستاورد دوم

دستاورد دوم قدری تامل و تعمق می‌خواهد.

پس اندازکنندگان در جمهوری اسلامی طبقه فقرا که به نان شب محتاجند و یاروژی شان از راه فروش دخترهایشان و یا قاچاق مواد مخدر تامین میشود نیستند و از طبقه ثروتمند کشور هم نمیباشند بلکه بیشتر و قریب به اتفاق آنان از طبقه باصطلاح سوم و یا دوم هستند

این همان طبقه ای است که در قرآن آیات ششم و هفتم سوره علق خطاب قرار گرفته و میگوید <آنان طغیان میکنند وقتی خودرابی نیاز ببینند> یعنی باید دست آنها از امکانات مالی که اولین عامل بی نیازی است کوتاه گردد و بوسیله تدابیری مانع آسایش و بی نیازی آنان شد تا امنیت و سلامت جامعه اسلامی مصون بماند.

یکی از عللی که اسلام با جمع کردن ثروت مخالف است و از مسلمانان می‌خواهد که انفاق کنند در راه خدا همین است که خودشان در محوطه نیازمندی قرار داشته باشند و بفکر سرکشی و طغیان نیفتند.

مولوی مطلب بالا را در ابیاتی این چنین معرفی کرده است

با لثیمان بسته نیکان زاضطرار زاضطرار است آدمی مردار خوار

یعنی وابستگی مردم محتاج به جمهوری اسلامی (لثیمان) از سرناچاری و اجبار و نیازمندی است.

جمهوری اسلامی با اجرای برنامه مزبور قدرت طبقه سوم که احتمالاً در مقام مطالبات آزادیخواهی و دخالت در حاکمیت برآیند میشوند و آنها در ردیف محتاجان قرار خواهند گرفت و از آدم محتاج هم خطر کمتری متوجه قدرت حاکم است.

حکومت اسلامی هیچگاه از ثروتمندان مسلمان پیرو خود احساس خطر نمیکند، تاریخ نشان داده است که همواره از ناحیه مردم و طبقه محروم، متلاشی شده است. در صدر اسلام هم همین قاعده جریان داشته کسانی مانند عبدالرحمن عوف و طلحه و زبیر و بسیاری از نزدیکان محمد و یا خلفا بسیار ثروتمند بودند و بقیه مردم در فقر و گرفتاری که با مستمری از بیت المال زندگی میکردند مانند هم اکنون که کسانی

در جمهوری اسلامی دارای ثروت های کلان و گروهی عظیم هم مستاصل و از طریق یارانه امرار معاش میکنند از باب تطبیق همانطور که عبدالرحمن عوف دارای ثروت بی حساب بود ولی قبلا حتی یک الاغ هم نداشت، اکنون هم یک وزیر حکومت اسلامی بنام نعمت زاده ۲۵۰ شرکت دارد (گزارش کیهان تهران) و شخص خامنه ای ۹۵ میلیارد دلار ثروت دارد (خبرگزاری رویترز).

ورشکستگی جمهوری اسلامی

از آنجاکه عنوان این تحریر ورشکستگی جمهوری اسلامی است، یادم آمد که تحریر تنها به ورشکستگی بانکها توجه داشته بنابراین آنرا از روزنه اینترنتی جاوید ایران مسترد داشتیم تا تکمیل گردد.

تشبیه

ورشکستگی حالتی دارد مانند باد و با که وقتی وبا دریک نقطه کشوری پدید آمد کم، کم به سراسر کشور میرسد؛ ورشکستگی هم همین حالت را دارد قدری هم شدید تر خبر ورشکستگی یک ترمز جدی در احتیاط به مسیر سرمایه است، و از آنجا که جوهر ورشکستگی (پول) مشترک بین همه افراد جامعه است هرچاپول مقام و جایگاهی دارد ورشکستگی هم همانجا حاضر است.

این مقدمه بدان جهت عرض شد که نمیتوان بین ورشکستگی بانکهای یک کشور با ورشکستگی بازرگان و صاحبان صنایع و حتی دولت تفاوت گذاشت.

آقای کامران ندری عضو هیئت عالی دانشگاه امام صادق گفته است:

>اگر دولت نتواند بدهی های خود را مدیریت کند و در سر رسید تعیین شده در برنامه بپردازد یک دولت ورشکسته است.<

گروه مدیریت اقتصادی چندی قبل از سروصدای ورشکستگی بانکها بیانیه ای منتشر ساخت که در آن کاملا وضع کنونی و آینده خطرناک ورشکستگی دولت را نمودار ساخت.

>مردم عزیز ایران – وظیفه خود میدانم به شما اعلام نمایم که ادامه شرائط اقتصادی موجود و حاکمیت تفکرات اقتصادی فعلی بر کشور قطعا منجر به ورشکستگی اقتصاد ایران خواهد شد صندوق های بازنشستگی، بانک ها و حتی خود دولت به مرور ورشکسته خواهند شد، سپرده گذاران خیلی از بانکها سرمایه هایشان را از دست خواهند داد، بیکاری دو برابر خواهد شد و صندوق های بازنشستگی از پرداخت مستمری به بازنشستگان عاجز خواهند ماند.<

(گروه مدیریت اقتصاد دانشگاه شریف)

دولت جمهوری اسلامی (فرقه تبهکار) ۵۰۰ هزار میلیارد تومان بدهکار است که از این مبلغ ۱۰۰ تا ۱۵۰ هزار میلیارد فقط به بانکهاست؛ دولت قادر به پرداخت حقوق کارگران دولتی و بدهی های مسلم خود نیست؛ کارخانه ها مرتبا تعطیل میشود؛

- کارخانه شیر رایگان بعلت بدهکاری دولت متوقف شده است.
- ساختمان وزارت صنعت بعلت بدهی ۲۰ میلیارد تومانی به شهرداری مهرموم شده است.

- چند سفارت ایران در کشورهای خارجی بدلیل نبودن پول تعطیل شده است.
- ۷۱۰ مدرسه در روستاهای مازندران تعطیل شده.
- معلولین جنگ سه سال است حقوق نگرفته.
- ۱۵،۰۰۰ کارخانه تعطیل شده است.
- یک میلیون تن ظرف سه سال اخیر بیکار شده اند.
- ۲۰ معدن سنگ آهن خوابیده است.
- کارخانه ارج - روغن نباتی قو با ۵۰ سال سابقه و کارخانه لوله و اتصالات چدنی شیرکوه یزد و کارخانه شهرنخ هم تعطیل شده است
- و بسیاری نظیر آنها

اینها همه علائم ورشکستگی دولت است و یکی از دلایلی که شرکت های خارجی تمایلی به سرمایه گذاری در ایران ندارند همین وحشت از ورشکستگی دولت جمهوری اسلامی است.

تبعات روانی

تبعات روانی از سروصدای ورشکستگی خیلی بیشتر از خود ورشکستگی است. تبعات، سبب میشود که همه دست به عصا راه بروند و شرکت هائی که به دولت و یا شرکت های دیگری که در رمضان ورشکستگی هستند بدهکاری دارند با درخواست ازدادگاه خیلی ساده پرداخت بدهی خورا متوقف سازند و دادگاه هم به این درخواست روی موافق نشان میدهد، زیرا باعث حفظ حقوق غرما و طلبکاران ورشکسته میگردد؛ و بدین ترتیب هم آن شرکت بدهکار از پرداخت بهره و جریمه مصون میماند و هم تا مدتی که معلوم نیست بدهی او متوقف (فریز) میشود و این حالت سنگین ترین تبعات ورشکستگی است که اوضاع مالی کشور را بکلی درهم خواهد ریخت، از صحبت هائی که آقای اسحاق جهانگیری مطرح کرده چنین بنظر میرسد که تبعاتی که عرض شد دقیقا مورد استفاده شرکت ها و کارخانجات خصوصی قرار گرفته است.

بحث تبعات روانی و روحی مورد مزبور در توجه این تحریر نیست ولی بطور مسلم اثر آن بنیاد اعتماد عمومی را از لحاظ مالی به دولت و بانکها و شرکتهای برباد خواهد داد و کشور نمیتواند برپایه باد مستقر باشد.